**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

*موضوع:* كتاب الطهارة/الاستبراء /

خ فقه 43 - احکام تخلی – 13/9/1400

امر هفتم : تعداد دفعات مسح و کشیدن در استبراء اختلاف است برخی ۹ بار و برخی ۶ و برخی ۳ بار گفته اند این اختلاف بر اساس اختلافی است که در روایات معتبر آمده است مثلا در روایت عبد الملک بن عمرو که مشهور فقها ۹ بار فهمیده اند چنانکه در جلسه قبل بررسی شد ، مرحوم شیخ طوسی و برخی از روایت محمد بن مسلم ۶ بار را بدست آورده اند قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) رَجُلٌ بَالَ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ مَاءٌ قَالَ يَعْصِرُ أَصْلَ‏ ذَكَرِهِ‏ إِلَى طَرَفِهِ‏[[1]](#footnote-1) ثَلَاثَ عَصَرَاتٍ وَ يَنْتُرُ طَرَفَهُ فَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْ‏ءٌ فَلَيْسَ مِنَ الْبَوْلِ وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِل‏.[[2]](#footnote-2) و عده ای مثل سید مرتضی و ابن جنید از روایت حفص بن بختری ۳ بار را فهمیدند در روایت دارد ینتره ثلاثة عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)‏ فِي الرَّجُلِ يَبُولُ قَالَ يَنْتُرُهُ‏ ثَلَاثاً ثُمَّ إِنْ سَالَ حَتَّى يَبْلُغَ السُّوق فَلَا يُبَالِي.[[3]](#footnote-3)

مرحوم آقای خویی بین این سه دسته روایات قانون اطلاق و تقیید را بیان کردند چون روایت عبد الملک مطلق است چون هم کشیدن ما بین مقعد و بیضه را سه بار کافی دانست و هم فشار دادن ما بین بیضه را مطلق گذاشت بدون اینکه سه بار بگوید و اطلاق این قسمت روایت ( غمز ما بینهما) را به روایت حفص مقید می کند چون در آنجا آمده ینتره ثلاثة و معلوم می شود که منظور از غمز همان سه بار فشار دادن آلت است و از آنجایی که روایت حفص هم مطلق است و فرمود به طور مطلق که سه بار فشار دهید و معین نکرد کدام قسمت را ، اطلاق این قسمت از روایت را به روایت محمد بن مسلم مقید می کند که مراد از سه بار فشار دادن سر آلت است که نتیجه آن همان نظر مشهور می شود ، تنقیح ج ۳ ص ۴۳۲

اشکال استاد: روایت محمد بن مسلم از نظر دلالت مجمل است و سه احتمال در دلالت این حدیث بود و با وجود آن احتمالات قاعده مطلق و مقید جاری نمی شود

منشا اختلافات فوق : به نظر ما اختلاف روایات به سبب این است که وجوب ( وجوب یعنی در مقام فتوا نیستیم بلکه فعلا کلی است ) وجوب استبراء تعبدی نیست و به همین خاطر ائمه علیهم السلام به ما ارشاد می کنند که اگر استبراء کردید ، رطوبت بعد از آن نجس نیست و وضو و غسل باطل نیست اما وجه نجس نبودن این است که با استبراء مجرای بول تخلیه شد و وجه باطل نبودن وضو و غسل این است که بولی از او خارج نشده است لذا اگر نماز را با تیمم خواند نیاز به تجدید تیمم نیست و ملاک همان نقاء و پاکی در استبراء است حال چه به سه بار یا بیشتر باشد

سوال : چرا در روایت محمد بن مسلم مساله استبراء به باب عدم وجدان آب برده شد چون سوال کرد که اگر مردی بول کند و آب نداشته باشد آنگاه استبراء کند و بعد از آن قطره ای خارج شود امام فرمودند بول نیست حال آیا استبراء مال جایی که فاقد آب است یا اعم از آن است ؟

جواب : راوی نسبت به واجد آب مساله را می دانست که با استبراء آن رطوبت بعد پاک است اما جایی که فاقد آب است نمی دانست مساله را لذا برای همین مطلب سوال کرد ، این جواب از علامه در المنتهی می باشد

امر هشتم : فائده استبراء چیست ؟ یکی اینکه آن رطوبت مشتبه پاک است و دیگری اینکه ناقص وضو نیست اما دلیل آن :

دلیل اول : اجماع از ابن ادریس در سرائر که دارد بلا خلاف که اجماع عملی یعنی سیره است ولی در کشف اللثام هست که بالاتفاق که اجماع منقول می باشد که اگر فتوی را نقل کرده باشد

دلیل دوم : روایات است که دو دسته اند ، دسته اول حکم به طهارت رطوبت مشتبه می کند و این رطوبت را ناقض وضو نمی داند اما متعرض مساله استبراء نمی شود و دسته دوم روایاتی که این رطوبت مشتبه را ناقض وضو می داند بدون اینکه متعرض مساله استبراء بشود که جمع تبرعی بین این دو دسته همان فائده فوق می باشد

اما روایت دسته اول : صحیحه ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ رَجُلٍ بَالَ ثُمَّ تَوَضَّأَ ثُمَّ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ وَجَدَ بَلَلًا قَالَ لَا يَتَوَضَّأُ إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ‏ الْحَبَائِلِ‏.[[4]](#footnote-4) ( حبائل : رگهای بسیار ریزی که در پشت انسان یا در داخل لوله های مخرج انسان است )

اما روایت دسته دوم : صحیحه محمد بن مسلم قال قال أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام)‏ مَنِ اغْتَسَلَ وَ هُوَ جُنُبٌ قَبْلَ أَنْ يَبُولَ ثُمَّ يَجِدُ بَلَلًا فَقَدِ انْتَقَضَ غُسْلُهُ وَ إِنْ كَانَ بَالَ ثُمَّ اغْتَسَلَ ثُمَّ وَجَدَ بَلَلًا فَلَيْسَ يَنْقُضُ غُسْلَهُ وَ لَكِنْ عَلَيْهِ الْوُضُوءُ لِأَنَّ الْبَوْلَ لَمْ يَدَعْ شَيْئاً.[[5]](#footnote-5)

این جمع فوق معارضه دارد و آن روایت محمد بن عیسی است که در آنجا هم رطوبت را پاک نمی داند و هم ناقض وضو می داند حتی بعد از استبراء كَتَبَ إِلَيْهِ رَجُلٌ هَلْ يَجِبُ الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ مِنَ الذَّكَرِ بَعْدَ الِاسْتِبْرَاءِ فَكَتَبَ نَعَمْ.[[6]](#footnote-6)

توجیهات مرحوم شیخ حر عاملی در مورد روایت فوق :

اول : حمل بر استحباب: وضو گرفتن مجدد مستحب است.

دوم : حمل بر تقیه شود چون موافق با عامه است.

سوم: این جواب در صورتی است که آن رطوبت باقیمانده بول باشد.

نظر استاد: توجیه سوم بهتر است

دلیل سوم : تقدیم اماره یا ظاهر بر اصل ، چون استبراء اماره است و این رطوبت به حسب ظاهر از مجرای بول بیرون آمده که مقتضای قاعده طهارت این است که حکم به نجاست شود اما از جهت اینکه با استبراء اطمینان به خالی شدن بول در مخرج می رسیم اماره می شود و اماره مقدم بر ظاهر است

1. ( 5)- في نسخة التهذيب 1- 28- 71 طرف ذكره،( منه قده). [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشيعة، ج1، باب11 من ابواب احکام الخلوه، ح2. [↑](#footnote-ref-2)
3. - همان باب13 من ابواب نواقض الوضوء ح3. [↑](#footnote-ref-3)
4. - همان، ح1. [↑](#footnote-ref-4)
5. - همان، ح5. [↑](#footnote-ref-5)
6. - همان، ح9. [↑](#footnote-ref-6)